

# استفاده متقلبانه از الکتریسته سرقت است یا نه ؟

قسمت از مقاله خودشان (آیا عناصر بزه بطوری که قانون خواسته در این عمل جمع است یا نه) بحثی فرموده اند که خوشبختانه همین قسمت فرصتی بدستم داد که امر معزالیه را (در جلسه نامبرده درخواست کردم موضوع مورد مناظره تجدید شود امر فرمودند اگر نظری دارم بنویسم) اینک اجراء کنم.

با تصدیق باینکه مقاله آقای دکتر نسبت به رد استناد مخالفین بماده ۲ قانون مجازات همگانی محلی برای بحث در این زمینه باقی نگذاشته معینا زائد نمیداند اضافه کند که برای طرفداران سرقت نبودن عمل استفاده ای از ماده نامبرده علی ای حال حاصل نتواند بود زیرا استناد بماده ۲ وقتی میتواند مورد داشته باشد که طرف تطبیق عمل را با جرمی ادعا کند که آن جرم عنوانی در قانون نداشته باشد مثل اینکه کسی بگوید انتحار جرم و قابل مجازات است نه در موردی مثل مورد بحث فعلی که سرقت بودن عمل مورد دعوا است و سرقت هم در قانون جرم شناخته شده.

استناد بماده ۲ در این مورد مثل این است که بگوئیم چون در قانون مجازات ربودن مخفیانه قالی سرقت دانسته نشده لذا ربودن آن سرقت نیست در صورتیکه واضح نظری باشیاء مسروقه ندارد و هیچوقت ضمن حکم قانونی مقرر نمیدارد که ربودن قالی و ... سرقت است که لازم آید مقرر داشته باشد ربودن برق هم سرقت است تا از جهت عدم تصریح بتوان با استناد ماده ۲ قانون مجازات مدعی شد که عمل سرقت نیست چنانکه در مقاله آقای دکتر این معنی با بیان بهتری توضیح گردیده و فرموده اند

روزیکه در جلسه سخنرانی کانون و کلابین دو نفر از همکاران بنده مناظره واقع شد که استفاده متقلبانه از برق سرقت است یا نه نظر طرفدار سرقت نبودن عمل مبتنی بر این بود که چون در قانون مجازات سرقت (جرم) بودن این عمل پیش بینی نشده و چون بموجب ماده ۲ قانون مجازات همگانی هیچ عملی را نمیتوان جرم دانست مگر آنچه بموجب قانون جرم شناخته شده لذا این عمل سرقت نیست و همکار محترم دیگر بنده که عقیده مند بودند عمل سرقت است به تعریف سرقت در شرع و قوانین جزائی کشور های بیگانه پرداختند ولی بعلمت عدم کفایت وقت مجال نشد بیان کنند که تعریف در شرع و آن قوانین چگونه و بوجه کیفیت میتواند ملاک تشخیص واقع شود و اگر ملاک باشد کدام یک برای ما ارجح است و بالنتیجه بچه دلیل ممکن است داد گاههای ایران این عمل را سرقت بدانند که بهمین جهت آقای دکتر عبده در صفحه ۵۷۵ مجموعه حقوقی شماره ۱۵ سال سوم مسئله راجل نشده معرفی و بتوضیحاتی اقدام فرموده اند که اگر نتیجه حاصله از آن را در موضوع مورد بحث وارد کنیم باین نتیجه میرسیم که بناء حمایت فردی نمیتوان ملاک برق را بی دفاع گذارد و منافع مرتکب عمل ممنوع را بر منافع مالک برق ترجیح داد

ولی چون مقصود بالاصاله معزالیه بحث در اطراف ماده ۲ بوده نه اثبات سرقت بودن عمل مورد بحث و اگر اشاوه ای باین موضوع فرموده اند من باب سابقه ذهنی با استناد طرفدار سرقت نبودن عمل بماده نامبرده است لذا به رد این استناد اکتفا فرموده اند و در اطراف این

(لازم نیست قانون موارد خاصی را صریحاً پیش بینی کرده باشد).

مهم‌ها فرض میکنیم استناد بماده ۲ موردی داشته باشد منتهای استفاده طرفداران سرقت نبودن عمل از ماده نامبرده این است که میگویند بموجب این ماده بحق ندارید در مقام تطبیق اعمال خارجی با عنوان جرم را اجتهاد کنید و حال آنکه خودشان با تصدیق با ممنوعیت اجتهاد در مقام عنوان جرم اجتهاد مینمایند زیرا میگویند استفاده متقلبانه از برق ربودن عین نیست و آنچه ربودن عین نیست سرقت نیست پس استفاده متقلبانه از برق سرقت نیست در صورتیکه مستند صریح قانونی برای لزوم عین بودن مال مسروق در دست ندارند و این تعریف را از طریق اجتهاد پیدا کرده و میخواهند بر ما تحمیل نمایند پس باید دید چگونه اجتهاد در مقام عنوان جرم را که ممنوعیت آن اتفاقی است جائز میدانند ولی اجتهاد در مقام تطبیق اعمال خارجی را با عنوان جرم که ممنوعیت آن اتفاقی نیست ممنوع می‌شمارند

اینک برای اینکه پیش از این بحث بطول نینجامیده و وارد اصل مطلب شده بتوانیم تحقیق کنیم که آیا عناصر جرم سرقت در عمل مورد بحث جمع است یا نه از اعتراضات فوق صرف نظر نموده و میگوئیم نبودن تعریف صریح قانونی ما را منع نمیکند از اینکه برای کلمه سرقت که در مواد بسیاری از قانون جرم و مرتکب آن مستحق مجازات شناخته شده مصداق خارجی پیدا کنیم زیرا اگر ممنوع باشیم لازم میآید هیچ عملی سرقت نباشد و حال آنکه وضع واضح دلالت دارد که بالاخره عملی سرقت است بعلاوه تمام علمای حقوق ما نسبت به سرقت بودن اعمال معینی اتفاق دارند و همان اجماع و اتفاق جایگزین تعریف صریح قانونی است که بموجب آن عین بودن مال مسروق یکی از عناصر شناخته شده (رای دیوانعالی کشور) مضافاً باینکه اگر قدری بیشتر جستجو کنیم بالنتیجه تعریف قانونی هم شاید بتوانیم بدست آوریم.

چطور...؟ میگوئیم با اینکه واضح ضمن ماده ۶ قانون مجازات همگانی صریحاً منع کرده است که کسی را بعنوان ارتکاب عملی مجازات کنند که آن عمل بموجب قانون معتبر در زمان وقوع جرم و قابل مجازات شناخته نشده باشد مهم‌ها بموجب ماده ۲۷۹ اشخاصی را که قبل از وضع و تصویب قانون مجازات مرتکب عملی شده باشند که برای آن عمل در شرع حدی مقرر بوده - مجرم و قابل مجازات دانسته پس نتیجه میگیریم که مقنن مقررات شرعی را در حکم قانون دانسته و همین نتیجه ما را مجاز میدارد که در مواردیکه قانون مجازات همگانی حکمی در بر ندارد برای مقررات شرعی اعتبار قانونی قائل گردیده و آنرا لازم الاتباع بدانیم: بنا بر این چون در قانون مجازات تعریفی از سرقت نشده بمقررات شرع مراجعه میکنیم و در اینجا مبینیم که برای امکان اجرای حد شرایطی مقرر گردیده که اگر آن شرایط را با هم جمع کنیم بتعریفی میرسیم که بنا بجهت فوق الذکر میتوانیم آنرا تعریف قانونی بدانیم که در عین حال موافقین و مخالفین سرقت بودن استفاده متقلبانه از برق را نیز مورد قبول میباشد و آن عبارت است از (ربودن یعنی بردن مخفیانه عین متعلق بغير بقصد تقلب).

پس این تعریف را در مقابل گذارده و میگوئیم شاید سرقت بودن عمل را ثابت کنیم). بنا بر این تعریف برای تحقق سرقت وجود چند شرط لازم است اول عین بودن مال مسروق دوم تعلق آن بغير سوم ربودن یعنی بردن مخفیانه چهارم قصد تقلب و اگر ما مرفق شویم ثابت کنیم که استفاده متقلبانه از برق واجد تمام شرایط فوق الذکر است سرقت بودن عمل ثابت خواهد شد لذا میگوئیم:

۱ - برای تشخیص اینکه برق عین است یا نه باید بفهمیم عین چیست: از مجموع معانی عین که از الفاظ مشترک و دارای معانی متعدده میباشد در معنی است که ما و مخالفین را میتواند مورد استفاده قرار گرفته و منشاء

بحث واقع شود اول (النقد الحاضر) که شاید مستند مخالفین باشد دیگر (ذات الشئى ونفسه) که مستند ما است.

البته اگر بنا باشد که معنی اول مورد نظر قرار گیرد اثبات نظر ما مشکل خواهد بود ولی باید دید چه چیز باعث می‌گردد که ما تمام آن دلائل متقنه ای که از طرف آقای دکتر عبده اقامه شده کنار گذاشته و صرفاً بقصد خلاصی مرتکب معنی اول را بنظر آوریم و حال آنکه میدانیم نفس عمل (سرف نظر از اینکه جرم باشد یا نه) عرفاً ناپسند و قانوناً ممنوع و ضمان آور است و نظم عمومی را مختل می‌سازد و بطور قطع اثر سوء این عمل ناپسند در جامعه بیش از اثر سوء ربودن مخفیانه يك سيب از دكان میوه فروشی میباشد زیرا در مورد دوم يك سيب برده شده و صاحب سيب باندازه قیمت يك سيب متضرر گردیده بدون اینکه آثار خارجی داشته باشد ولی در مورد اول ممکن است عدم اطلاع کارخانه از بكت قوه تمام پیش بینی های فنی کارخانه برق را برهم زده و در نتیجه خسارات مهم غیر قابل جبرانی را بر مالك و حتی بر جامعه وارد سازد و با وجود این کیفیات بطوری که آقای دکتر عبده بیان فرموده اند چگونه جائز است که بنام حمایت فردی مالك برق را بی دفاع گذارده و منافع مرتکب عمل ممنوع را بر منافع او ترجیح داد

پس با وجود معنی دیگری برای عین (ذات الشئى ونفسه) که بدون تردید شامل برق هم میشود هیچ مانعی در جلو نداریم برای اینکه بتوانیم برق را عین بدانیم مضافاً باینکه اگر بگوئیم با معنی اول (النقد الحاضر) هم میتوان برق را عین دانست پیرا از معنی دور نشده ایم.

۲- در قسمت تعلق برق بغیر خیال میکنم حاجتی ببحث

نباشد زیرا روزانه غالب از ما و جوهی را در قبال استفاده از برق بمالك آن میدهیم.

۳- و اما راجع به ربودن یا بردن مخفیانه در اینجا هم وضوحاً معلوم است که منظور از بردن همان استفاده است و هیچوقت نباید تصور کرد که بردن فقط در اشیاء ابل حمل و نقل صدق میکند کما اینکه عرفاً استفاده از آب و رساندن خبر را به دیگری بردن می‌گویند و چون این استفاده بدون اطلاع مالك میشود بردن مخفیانه یا ربودن میباشد.

۴- قصد تقلب هم قابل بحث نیست زیرا فرض ما در این است که با قصد تقلب مرتکب شده باشد بنابراین سرقت بودن عمل فقط يك مانع دارد و آن ارفاق بی‌جهتی است که درباره مرتکب میشود.

در خاتمه لازم میدانم برای تکمیل توضیحات خود عین بیانات آقای اسمعیل مولانا همکار محترم خود را در جلسه سخن رانی و کلاء نسبت به رأی دیوان کشور ذیلاً بعرض برسانم.

نظر دیوان عالی کشور ضمن حکم مندرج در شماره ۸۵ مجموعه حقوقی راجع به موردی است که مستفید از برق مأذون در استفاده از طرف مالك باشد انهباه زائد بر میزانی که اجازه داشته استفاده کرده باشد و پیرا واضح است که در اینجا حق نبوده عمل سرقت دانسته شود زیرا مداخله مستفید با اطلاع مالك بوده نه مخفیانه.

امید است که بزودی ضمن اصلاح قانون مجزات همگانی تعریف صریحی از سرقت بعمل آید تا تکلیف قطعی استفاده منقلبانه از برق و آب معین گردد. حیب محیط